

حقوق خانواده در اسلام

اسلام از وضع قوانین اجتماعی خود چه هدفی دارد؟
زناشوئی پاسخ بندای فطرت است... انگیزه‌های ازدواج!

اسلام از وضع قوانین اجتماعی خود چه هدفی دارد؟

از مجموع قوانین و دستورات مربوط به جامعه و ارتباط افراد با یکدیگر و مسائل حقوقی اسلام استفاده میشود که اسلام برای جامعه و توازن و تعادل آن اهمیت زیادی قائل بوده، قوانین محکمی در هر مرحله از زندگی انسان، به منظور ایجاد جامعه مرفعی اسلامی وضع نموده است. اسلام از وضع این قوانین آسمانی خود چه هدفی دارد؟

این سؤالی است که ممکن است از ذهن خوانندگان عزیز خطور کند، در پاسخ آن اجمالاً میگوئیم که اسلام می‌خواهد نظام خاصی در اجتماع بوجود آورد که تمام قوای انسانها با تفاوتی که دارند در راه ترقی و تعالی اجتماع بکار افتد و هر یک وظایف محول خود را بنحوا حسن انجام دهند و هم‌آهنگی خاصی در قوای فعال آن پدید آورد بطوریکه نه تنها بر ضد همدیگر بکار نیافتند بلکه تشریک مساعی کرده زمینه نیل به هدف نهائی را تسهیل کنند. در این جامعه فعالیت و جنب و جوش از شرائط اصلی آن بشمار میرود، تنبلی و سستی و بیکاری، عضو باطل و بی اثر اجتماع شدن، اختلاف فاحش طبقاتی و ضعف و زبونی وجود خارجی ندارد و در مقابل ترقی و پیشرفت در علوم و صنایع و توزیع عادلانه ثروت و تعادل در قوای مختلف اجتماعی و استفاده همه افراد از مزایای مادی و معنوی، تساوی در حقوق اجتماعی و اقتصادی و... با نسبت‌های خاصی که اسلام آنها را پیش بینی کرده، جایگزین آن میگردد.

اینک باید دید اسلام هدف عالی و نهائی خود را در راه ایجاد جامعه مرفعی و متعادل بچه وسیله صورت عمل پوشانده؟ و کدام راه را اساسی تر و نزدیکتر برای رسیدن به هدف تشخیص داده است؟ بررسی این مسأله فعلاً از حوصله این مقاله خارج است و شاید در شماره‌های بعدی بمناسبت... هائی گفتگو از آن بمیان آید.

ولی اجمالاً میگوئیم، از آنجا که اجتماع کوچک خانواده در حقیقت هسته‌ها و واحدهای

کوچک جامعه بزرگ بشمار می‌آید و وضع حقوق و قوانین برای خانواده بمنظور استحکام ارتباط افراد آن جامعه کوچک با یکدیگر و ایجاد نظام خاصی در آن، در صلاح جامعه بزرگ و نظام آن و تأمین هدف‌های مشترک اجتماعی آن بسیار مؤثر است، اسلام با نظر واقع بینانه خود از این واقعیت بنفع انسانها و برای بنیان جامعه مترقی استفاده کرده، با وضع حقوق مخصوصی برای هر یک از اعضاء خانواده، افکار آنها را بهم نزدیک ساخته و در هم آهنگی اعمال اعضاء کوشیده است و در نتیجه تمام خانواده‌ها را که از مجموع آنها جامعه بزرگ تشکیل می‌گردد تحت نظام خاصی در آورده از آنها بسود جامعه بهره برداری صحیح کرده است.

زناشوئی پاسخ بندای فطرت است.

تشکیل خانواده با ایجاد پیمان زناشوئی با شرایط مخصوصی که در کتب حقوقی اسلام ذکر شده شروع می‌گردد.

پیمان زناشوئی و شروع یک زندگی بر مسئولیت آه‌یخته بالذت، در واقع پاسخ صحیحی است بندای میل و علاقه جنسی که در فطرت جانداران بودیمه گذارده شده است و چنانچه بموقع و باندازه کافی بقاضای فطرت جواب مثبت داده نشود، بصورت‌های خطرناک و عوارض وحشتناک چون سلیلی بنیان کن خود نمائی مینماید و ضررهای فردی و اجتماعی بسیار زیادی بیار می‌آورد. از آنجاکه اسلام قوانین و دستورات فردی و اجتماعی خود را بر اساس فطرت و تقاضای آن بنا نهاده است که رمز بقا و استمرار قوانین آن نیز در همین میباشد تقاضای فطرت و اندازه آنرا بخوبی تشخیص داده، دستورات جامع و حکیمانه‌ای برای تنظیم و امور فطری و علاقه و میل جنسی بشروع کرده و بدین ترتیب غرائز جنسی را تعدیل نموده، آنرا برای صلاح جامعه انسانی بکار انداخته است.

ناگفته پیداست اسلام از تکوین فطرت و تقاضای آن و دادن پاسخ صحیح طبیعی بآن و اعمال غرائز جنسی باندازه معتدل از این جهت طرفداری کرده که مایه بقا و نسل انسان و ایجاد فرزندان صالح مفید بحال اجتماع میباشد نه اینکه صرفاً جنبه شهوترانی و عیاشی و خوشگذرانی دارد، و عبارت دیگر زناشوئی وسیله است نه هدف و ما در مقالات آینده بیرسی این مسأله می‌پردازیم.

انگیزه‌های ازدواج

قرآن مجید و اخبار صحیح و آمده از پیشوایان دینی، با عبارت‌های مختلف اهمیت زناشوئی و تأثیر آنرا در شئون مختلف زندگی انسان گوشزد کرده است، دقت در آنها نظر دقیق و واقع بینانه اسلام را در مسأله ازدواج و فوائد حاصل از آن برای بشر و جامعه انسانی بخوبی

روشن میکند .

قرآن مجید خلقت همسران و ایجاد رشتهٔ مودت بین زن و مرد را از جملهٔ نشانه‌های شناسائی خداوند شمرده و از میان فواید فراوان زناشویی با آرامش روحی و جسمی و در نتیجه تنظیم امور جنسی و ایجاد مهر و مودت بین زن و مرد اشاره می‌فرماید : **وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ**

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ « (۱) یعنی : از جمله نشانه‌های وجود خداوند این است که برای آنان از جنس خودتان همسران آفریده تا بدانها آرام گیرید و میان شما و همسران‌تان دوستی و مهر بانی قرارداد و در این دوستی و محبت برای کسانی که تفکر میکنند نشانه‌ها هست ،

هر چه بیشتر در این آیه و بخصوص در جمله **«لِتَسْكُنُوا»** دقت شود نکات و دقائق معلوم می‌شود که اهمیت ازدواج را در سعادت انسان بیشتر روشن می‌سازد . بموجب این آیه زندگی زناشویی نه تنها آرامش جسمی انسان را تأمین میکند بلکه موجب آرامش روح و فکر انسان بوده ، از طفیان قوای جنسی جلو گیری میکند ، و زمینه رشد خوبیهای نیکو را در انسان فراهم می‌آورد . بدیهی است که یکی از پایه‌های مهم سعادت انسان در زندگی که هدف غائی هر انسانی رسیدن بآنست ، همان آرامش فکری و روحی و اخلاقی و جسمی و هیئتی باشد و از این رو زناشویی در تأمین هدف اصلی از زندگی انسان نقش مهمی بازی می‌کند .

انسان بمقتضای خلقت و آفرینش خود ببقاء و ادامهٔ حیات خویش سخت علاقه مند است و کمال کوشش را می‌نماید از هر طریق و وسیله‌ای که ممکن است ، برای تحقق این میل و علاقه درونی ، استفاده کند ، بهترین وسیله و آسانترین و در عین حال لذت بخشترین طریقی که بشر تا کنون توانسته است در تأمین هدف خود از آن استفاده کند ، همان طریق **ایجاد نسل** است . انسان وجود فرزند و بقاء نسل را در حقیقت جزئی از وجود خود و دنبالهٔ حیات و امتداد رشتهٔ هستی خویش میدانند و از این رو یکی از هدفهای زناشویی را داشتن فرزندان صالح و مفید بحال اجتماع تشکیل میدهد و رمز محبت و علاقه پدر و مادر را بفرزند خود ، بیشتر در همین غریزه طبیعی باید جستجو کرد .

پرواضح است که بقاء نسل و داشتن فرزندان و در نتیجه امتداد حیات که هر انسانی باقتضای طبع اولی بان مایل است ، با پیمان زناشویی و تشکیل خانواده و تحمل مسئولیت‌های خانوادگی آغاز میگردد ، و بدین ترتیب ، میل بزناشویی بتقاضای شدید فطرت انجام میگردد .

(۱) سوره روم آیه ۲۱

خداوند در قرآن مجید در سوره نحل آیه ۷۲ ، داشتن فرزندان را از نتایج پیمان زناشویی بشمار آورده ، و آنرا در ردیف طبیات ذکر کرده است :

« وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ » یعنی : « خداوند برای شما از جنس خودتان همسران قرار داد و برای شما از همسرانتان فرزندان و نوادگان پدید آورد و از چیزهای پاکیزه روزی شما نمود ، و نیز در اول سوره نساء میفرماید : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً » یعنی « ای مردم بترسید از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او خلق نمود و از آنها مردان بسیار و زنان پدید آورد »

عوامل و انگیزه‌های تشکیل خانواده منحصر ب عوامل درونی که بعضی از آنها را در بالا ذکر کردیم نیست ،

جامعه‌شناسان ، بعد از تحقیقات دامنه‌داری در علل پیدایش خانواده باین نتیجه رسیده‌اند که عوامل متعددی در این پدیده اصلی اجتماعی دخالت دارد .

برخی از جامعه‌شناسان از جمله « بریفو » معتقد است که عوامل اقتصادی مهمترین نقش را در پیدایش و ادامه خانواده بازی کرده است و دسته‌ای دیگر عوامل جنسی و روان‌شناسی را فوق‌العاده ، در ایجاد خانواده دخیل میدانند .

یک نظریه جالب درباره علل زناشویی از طرف جامعه‌شناس آلمانی (مولر لیر) در کتاب « تحول ازدواج در دوران معاصر » اظهار شده است .

وی در کتاب خود مینویسد ، « سه عامل ، افراد را بطرف ازدواج کشانیده است که عبارت‌اند از : نیاز اقتصادی : میل بداشتن فرزند و عشق ، این عوامل با اینکه در کلیه جوامع وجود داشته اما اهمیت آنها در ادوار مختلف متغیر بوده است در جوامع اولیه علل اقتصادی اهمیت بیشتر داشته است و حال آنکه در مدنیت‌های باستانی زاد و ولد و در مدنیت های امروزی عشق مقام مهمتر را دارا بوده است » (۱)

(۱) جامعه‌شناسی ساموئیل کزیک ص ۲۳۲